یا علی اوهامات اهل فرقان بر کل واضح و معلوم ...

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی

از الواح حضرت بهاءالله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی – شمارهٔ ۷۶۰

جناب ملّا علی علیه بهآء الله خضرا

انا المجیب من الأفق الأعلی

یا علی اوهامات اهل فرقان بر کل واضح و معلوم معذلک حزب بیان از آن حزب غافلتر مشاهده میشوند قبل بذکر وصیّ و امثال آن هزار و دویست سنه یکدیگر را لعن نمودند و بر سفک دم یکدیگر فتوا دادند حال بعینه در نفوسی که خود را از اهل بیان میشمرند همان گفته‌های قبل و اوهامات تازه بمیان آمده عالم گواه که این مظلوم در لیالی و ایّام عباد را بآنچه سبب علوّ و سموّ و انقطاع و تقوی الله است متذکّر نمود و تعلیم فرمود و احدی از منکرین ظاهر نه در خلف سبحات و حجبات مستور و چون نور امر ساطع با سیوف بغضا بیرون آمدند طوبی از برای نفسی که حجبات اسماء را خرق نمود و به یوم الله و ما ظهر فیه تمسّک جست لعمر الله حزب قبل از مشرکین لدی الله مذکور هر یوم بامری متمسّک میشدند و بذکری ناطق به آلهة من دون الله قائل بوده و هستند نشهد انّهم من الأخسرین فی کتابی المبین

اولیا را تکبیر برسان انّا ذکرناهم من قبل و من بعد و ایّدناهم بروح من عندنا یشهد بذلک من ینطق انّه لا اله الّا هو الحقّ علّام الغیوب قل یا ملأ الأرض ضعوا ما عندکم ثمّ ولّوا وجوهکم الی الأفق الأعلی المقام الّذی فیه ارتفع النّدآء انّ ربّکم الرّحمن هو المقتدر المهیمن القیّوم قل قد اتی الیوم و انتم لا تعرفون قد ظهر المکنون و انتم لا تعلمون خذوا کتاب الله بقوّة من عنده ثمّ انصروه بجنود البیان امراً من لدنه انّه هو المهیمن علی ما کان و ما یکون طوبی لک بما تحرّک علی ذکرک القلم اذ کان مالک القدم فی السّجن الأعظم قل

لک الحمد یا مالک الوجود و الظّاهر باسمک الودود بما ذکرتنی فی سجنک و انزلت لی ما لا تعادله الخزائن و الکنوز أسألک ان تجعلنی مستقیماً علی حبّک بحیث لا تزلّنی شبهات الّذین انکروا حجّتک و اعرضوا عن برهانک و جادلوا بآیاتک الّتی احاطت الملک و الملکوت البهآء المشرق من افق سمآء ظهوری علیک و علی الّذین عملوا بما امروا به فی لوحی المحفوظ